

لیلی رشیدی از راه و رسم زندگی با کودکان در ایام کرونا می گوید

کنار آمدن با واقعیت های موجود

حرف روز

■ **از زوایای پنهان قرنطینه غافل نشویم**

لیلی رشیدی با اشاره به اینکه قرار نیست زندگی همیشه روی خوش به ما نشان بدهد به ایسا گفت: «واقعیت این است که قرار نیست دنیا همواره بر مدار آرزوهای ما بگردد. این مطلب را بزرگسالان به حکم تجربه می دانند. هر چند گاهی، پذیرشش برای آنان نیز سخت است ولی بی رحمی های ناگزیر زندگی را چگونه باید برای کودکان توضیح داد.»

به گفته این بازیگر سینما، تئاتر و تلویزیون در دوران خانه نشینی کرونایی، فقط بسیاری درباره سرگرم کردن کودکان در فضای خانه منتشر شده است؛ برخی از مراکز فرهنگی،

یکی از تشویق های مشترک اغلب جوره های فرهنگی و حتی فراتر از آنان، سلب ریتی های سایر حوزه ها، خانه ماندن مردم و گذران وقت با کتابخوانی و تماشای فیلم است. با این حال لیلی رشیدی ضمن مفید دانستن این توصیه ها به مسأله دیگری هم تأکید دارد: اینکه زندگی این روزها اجبار به قرنطینه خانگی ملزومات دیگری هم دارد که خانواده ها را درگیر نکند و نباید از آنها غفلت کرد.

پیام کرونا برای بشریت چیست؟

پیش از کرونا نیز بشر بیماری های مهلک فراگیری را تجربه کرده بود و میلیون ها انسان در قرون گوناگون قربانی ویروس ها و عفونت های مختلف می شدند. از این جهت ما انسان ها با مفهوم بیماری مسری ناآشنا نبودیم، اما آیا می توان گفت کرونا چون اسلاف خود ناخوانده می آید، جان انسان های بسیار را می گیرد و پس از انجام مأموریت ناپدید می شود و آنگاه ما آدمیان بی هیچ تغییر بنیادینی دوباره به زندگی روزمره پیش از بیماری برمی گردیم. شاید چنین شود؛ ولی به نظر می آید داستان کرونا ممکن است متفاوت باشد.

کرونا تقریباً همه زیستگاه های بشر در کره زمین را آلوده کرده است. ولی نکته بی سابقه دراین میان این است که برای اولین بار ما انسان های پناه برده به گوشه خانه و کاشانه و شهرمان، از یکدیگر بی خبر نیستیم بلکه به صورت آنلاین و لحظه به لحظه همه از حال هم در جای جای جهان باخبریم. چه در ایتالیا باشیم یا تایوان، ایران یا استرالیا، مصر یا ویتنام به صورت زنده همه چیز را با جزئیات به مشاهده شسته ایم. شب ها در قرنطینه میلیاردها نفر به اتفاق اینستاگرام و فیسبوک می بینند، توثیت می کنند، فیلم و سریال های محبوب جهانی را تماشا می کنند. هر لحظه به لطف انواع رسانه ها از حال هم خبر داریم و خود نیز می توانیم یک رسانه باشیم، یک توثیت یا عکس چه بسا از خطابه رئیس دولتی تأثیر گذارتر باشد. پزشکان سراسر دنیا باهم مشورت می کنند، پژوهشگران و دانشمندان آخرین یافته های خود را در زمینه درمان بیماری و واکسن به اشتراک می گذارند، روسیه به ایتالیا کمک می کند، چین به اروپایی ها، آلمان کیت های تست برای دیگری ارسال می کند و صدها اقدام دیگر. به خود آمدم و دیدیم دیگر آن آدم های جدا از هم نیستیم، دیگر فقط مصری یا روس نیستیم، ما شهروندان جهانی هستیم، سخت به هم وابسته شده ایم، باید مراقب باشیم در بازار حیوانات شهری در چین اصول بهداشتی محیط زیستی رعایت شود، یا در آمریکا تحقیقات ژنتیک طبق موازین اخلاقی انجام شود، امروز منتظریم زودتر واکسن کرونا ساخته شود؛ همین تدارک که سازنده واکسن کدام کشور باشد، مهم آن است که دردهای بشر و درمانش مشترک شده است. این است که اهمیت دارد.

گرمایش زمین، فقر، آموزش، بهداشت، اقتصاد، انرژی، سرگرمی، ورزش همه و همه روز به روز جهانی تر می شود، خوشی ها و ناخوشی ها جهانی شده طبیعتاً راه حل ها نیز باید جهانی باشد. اگر دستمال توالت در آلمان کم شده نباید ذوق زده شویم، چراکه آنها درحال ساختن واکسن و کیت تست فوری هستند و اگر دستمال توالت کمیاب نباشد آنها فراغت بیشتری برای یافتن درمان دردم ما دارند.

ما بزرگ تر و بالغ تر شده ایم. اگر می خواهیم فرزندانمان در دنیای بهتری زیست کنند امروز باید متحد شویم حاکمان پوپولیست، که دم از ناسیونالیسم می زنند ستم مهلک این آینده تابناک هستند. ما انسان ها نیازمند همکاری، همکاری، و ایجاد ساختارهای جهانی قدرتمند برای اداره کره زمین با بیشترین کارآمدی و با مشارکت همگانی هستیم. جنگ ها و اختلافات خیالی جز تضعیف کوشش های بشر در حل چالش های فراگیر دستاوردی ندارد. ما انسان باشدت به یکدیگر وابسته شده ایم و اگر چنین است حتما می توانیم به اجماعی جهانی برای توسعه پایدار در کره زمین و حل مشکلات دست یابیم. امروز اگر کالایی تولید کنیم و نتوانیم دیگران را برای خریدش مجاب کنیم چه می شود؟ مفهوم همسایه، هم محله ای تغییر کرده، همه ساکنان این سیاره زیبا همسایه شده اند. باید مفهوم دولت، ملت، منافع ملی، بازار کار، و ده ها مفهوم پایه ای دیگر بازآفرینی و بازنگری و تعریف شود. مینا و هدف همگانی باید تضمین آینده کلیت بشر، حفظ این سیاره، و توسعه ای اخلاق محور باشد. ما آدمیان زمانی می توانیم از حداکثر توان خود برای توسعه در همه شئون زندگی بهره مند شویم که بتوانیم به یک اعتماد عمومی بین همه ملت ها دست یابیم. شاید مفهومی چون دولت ها، شهروندان در کنار دوگانه دولت، ملت بتواند کارساز باشد. اگر پس از معاهده وست قالیبا مفهوم دولت، ملت فراگیر شد، همه گیر شدن کرونا می تواند اعلام موجودیت مفهوم دولت ها، شهروندان باشد.

دولت ها به عنوان نمایندگان ملت ها دوشادوش هم فقط پاسخگوی ملت های خود نیستند، بلکه ناگزیر از پاسخگویی به همه شهروندان جهانی هستند، چرا که اقداماتشان تأثیر همگانی دارد. یادمان باشد فروشنده حیوانی در گوشه ای از بازاری در نقطه ای از جهان ممکن است همه انسان ها را گرفتار کند. اگر اینطور است، پس از این می توان با تکیه بر عقلانیت، تفاهم، همبستگی جهانی، و اخلاق بشریت را هدایت کرد و آنان که کارآمدتر، اخلاقی تر، و پایبندتر به مصالح عمومی هستند در سطح بین المللی شایستگی رهبری جوامع را خواهند داشت. دست کم می توانیم امیدوار باشیم این پیام از کرونا شنیده شود.

پیش از آنکه بخوایم

روبرو شد. به طوریکه تاکنون به پیش از ۴۰ زبان ترجمه شده است. قصه این رمان بر مبنای توأمان خیال و واقعیت است. کریستین زن قهرمان این داستان دچار بیماری فراموشی حاد است. او هر روز که از خواب بیدار می شود نمی داند کجاست و چه کسی است؟ فقط یک نامزد قدیمی. اثری که کودکی اش را به خاطر می آورد. اما در این بین دکتر ناش که می خواهد در مورد بیماری او که از نوادر است تحقیق کند او را به سمت بیان

مریم سادات گوشه

خبرنگار

«پیش از آنکه بخوایم» اثری است جذاب و با تعلیق بسیار با تصویرهایی جاندار به قلم اس جی واتسون نویسنده انگلیسی. اثری که پس از چاپ خوش درخشید و در فهرست پرفروش های «ساندی تایمز» و «نیویورک تایمز» قرار گرفت و با استقبال مخاطبان جهانی

کتابخانه های مجازی راه اندازی کرده اند و بعضی نهاده ها همانند کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان نمایش های بعضی بازی های خانگی را پیشنهاد و برخی دیگر فیلم های مناسب را توصیه کرده اند ولی سرگرم کردن کودکان، تنها بخشی از ماجراست و این وضعیت، ابعاد بسیار گسترده تری دارد. او تأکید بسیاری به جلب توجه مسئولان و از سویی خانواده ها به این نکته دارد که نباید از زوایای پنهان شرایط امروز غافل شد، مسائلی که در قیاس با بحث سرگرم سازی کودکان و حتی چگونگی گذران وقت بزرگسالان عمیق تر هستند. رشیدی که عمده سابقه حرفه ای اش

صرف گروه سنی کودک و نوجوان شده گفت که وضعیت این روزها را شبیه آنچه می داند که کودکان دهه ۶۰ به دلیل جنگ و تبعاتش تجربه کرده اند.» این هنرمند شرایطی که در پی گسترش ویروس کرونا بر جوامع حاکم شده را تنها مختص کودکان نمی داند و اثرات منفی آن را متوجه همه اعضای خانواده می داند؛ او معتقد است: «می توان برای این روزها فیلم و کتاب و موسیقی و ادیت شوند. از سوی دیگر این هنرمند متوجه عمق ماجرا شوند و هم کمتر اذیت شوند. از سوی دیگر این هنرمند کشورمان گلابه دارد که چرا اغلب این ماجرای پیچیده هم نگریست و برای آنها راهی اندیشید. مثلاً یکی که شرایط عادی دارند و کمتر کسی به فکر ارائه راهکارهایی برای بهبود روحیه آنهاهی هستند که عزیزی را از دست

دیگر بعضی از خانواده ها در خانه های کوچکی زندگی می کنند و همه اعضای خانواده، از صبح تا شب با هم هستند و فضای خصوصی ندارند.» **همه خانواده ها شرایط عادی ندارند** نکته دیگری که رشیدی بر آن تأکید دارد سردرگمی والدین از این است که بطور اوضاع و احوال را به فرزندشان خود توضیح بدهند؛ اینکه هم متوجه عمق ماجرا شوند و هم کمتر اذیت شوند. از سوی دیگر این هنرمند کشورمان گلابه دارد که چرا اغلب توصیه ها متوجه خانواده های است که شرایط عادی دارند و کمتر کسی به حال اینها هم بخشی از زندگی است و متأسفانه امکان وقوع آن وجود دارد.

حاشیه های دامنه دار سریال پرمخاطب «پایتخت» تا رئیس سازمان صداوسیما بالا گرفت

چه کسی خواست پایتخت از عرش به فرش برسد؟



گزارش

ترکس عاشوری خبرنگار

سریال «پایتخت» اگر تا پیش از نوروز ۹۹ عنوان مطرح ترین و محبوب ترین سریال نوروزی و حتی سریال محبوب دهه ۹۰ را داشت امسال عنوان پرحاشیه ترین را هم از آن خود کرد. فصل ششم سریال «پایتخت» از همان روزهای آغازین پخش با حاشیه گره خورد و در اوج حاشیه با پایانی ناتمام فعلاً از آنتن تلویزیون خداحافظی کرد تا در اولین عید مناسبی بعد از دوران کرونا با دو قسمت برگردد و سرنوشت گره های ناگشوده داستان مشخص شود. شبیه سازی بخش های پایانی فصل ششم «پایتخت» با فیلم های «ممل آمریکایی» شادروان شاهپور قریب و همچنین «همسفر» مسعود اسداللهی با بازی بهروز وثوقی و قافنه آتشین خوراک رسانه های رسمی و مجازی در روزهای آغازین هفته بود. بازآفرینی سکاسن ها و اراجاع به دیالوگ های این دو فیلم در چند روز گذشته توسط رسانه های اصولگرا و اصلاح طلب و طیف های مردم عادی سوزه شد. اما در حالی که موج جنجال بزرگ سکاسن پایانی این سریال در شبکه های اجتماعی به آرامی ته نشین می شد روز گذشته رئیس سازمان صداوسیما با اظهارنظری باعث شد دوباره این بحث در فضای رسانه ای داغ شود. علی عسگری روز یکشنبه در نامه ای از معاون سیماس خواست تا درباره اقدام انجام شده بررسی و مشخص شود که آیا این اقدام «حاصل اشتباه، بی توجهی و دادادگی» بوده یا به گفته رئیس سازمان صداوسیما «نتیجه عملیات مرموز و فتنه انگیز ستون پنجم فرهنگی باشمن». او در پایان خطاب به میرباقری تأکید کرد که «انتظار دارد ضمن برخورد مناسب، برنامه ریزی لازم برای پیشگیری از تکرار چنین مواردی صورت گیرد»

■ **از انتقاد به ادبیات علی عسگری تا قدرشناسی از ۲۰۰ میلیاردی** واکشناس علی عسگری به حاشیه های قسمت پانزدهم پایتخت و ادبیات او با واکنش تند اهالی رسانه و حتی منتقدانی مواجه شد که ارزیابی مثبتی از عملکرد تپا سازنده فصل ششم «پایتخت» نداشتند. مهرداد دانش از جمله منتقدانی بود که در این باره نوشت: «از اوایل فصل ۶ پایتخت خوشم نیامد و ادامه ندادم. اما ادبیات خوارطرائش و نوشتن آنها می کشاند. خواننده وقتی رمان را می خواند دچار چالش جدی می شود. گاهی می ترسد و گاهی با خود کلنجار می رود به خاطر هزئات پنداری های ناخودآگاهش و حتی احساس می کند با اینکه مبتلا به فراموشی نیست اما به نوعی مثل او زندگی می کند. در حقیقت این رمان نماد زندگی تمام انسان هاست. آدم هایی که در دنیای کنونی در تناقضات بسیاری زندگی می کنند. گاهی به هم

نظامی/امنیتی علی عسگری در تعبیر از ارجاع هجوآلود به فیلمی قدیمی و معروف، به ستون پنجم و عملیات مرموز، هم هیمنه این ادیبان را مبتذل می کند و هم نشان می دهد این جماعت چقدر از سابقه سینما و ایده هجو در آن پرتنند.»

هوشنگ گلמکنی سردبیر ماهنامه فیلم هم با انتشار یادداشتی در صفحه اینستاگرامش چنین ادبیاتی را باور نکردنی خواند: «این نامه را اول که خواندم فکر کردم شوخی است و دروغ ۱۳ است.» او در ادامه به ارجاع های نامعقول و غیره اشاره کرد و نوشت: «حتماً آقای رئیس نمی داند که اصلاً یکی از مایه های رایج در کمدی، ارجاع به چیزها و نکته های آشنا و شوخی با آنهاست.» گلمکنی همچنین از حق نشناسی صداوسیما در قبال آورده ۲۰ میلیاردی هر شب «پایتخت» برای این رسانه هم نوشت: «پایتخت» بیست میلیارد تومان برای تلویزیون حق شناس در آمد آورده و میلیون ها نفر را شاد و سرگرم کرده که برای آن قسمتش نمی شود واقعاً قیمتی تعیین کرد.»

■ **جای خالی خشایار الوند و انتقاد از نبود فیلمنامه منسجم** غیر از جنجال ناتمام سکاسن پایانی، ضعف فیلمنامه، خرده روایت های ناتمام و نبود خط قصه مستقل از مؤلفه های مشترکی بود که منتقدان فصل شش «پایتخت» در روزهای پایانی این سریال بر آن نبود فیلمنامه منسجم

غیر از جنجال ناتمام سکاسن پایانی، ضعف فیلمنامه، خرده روایت های ناتمام و نبود خط قصه مستقل از مؤلفه های مشترکی بود که منتقدان فصل شش «پایتخت» در روزهای پایانی این سریال بر آن نبود فیلمنامه منسجم

اشتراک نظر داشتند. این موضوع حتی انتقاد تلویخی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی را هم به دنبال داشت و سیدعباس صالحی در توثیتی عنوان کرد که این خشایار الوند بود که به پایتخت جان می داد. انتقادی که پیش از این هم از سوی سید محمد حسینی وزیر ارشاد دولت احمدی نژاد به نویسندگان این فصل عنوان شده بود. با این وجود محسن نتابنده که به عنوان طراح اصلی فیلمنامه و سرپرست نویسندگان به آرش عباسی اعتماد کرده بود در واکنش به این انتقادها بدون اشاره به صحبت های شخصیتی خاص تصویری از خشایار الوند منتشر کرد و نوشت: «در حیرتم از این طایفه زنده کش مرده پرست، تا هست به ذلت بکشندش سر جفا، گر مرد به عزت ببرندش سر دست.»

■ **کامنت های خبرساز**

اما مؤلفه تکرار شونده ای که از همان قسمت های آغازین فصل ششم این سریال را پربحث کرد ماجرای سانسور بود؛ ممیزی هایی که توسط محسن نتابنده، بهرام افشاری و احمد مهرانفر در شبکه های اجتماعی اطلاع رسانی شد و حتی برای اولین بار در تاریخ تلویزیون، دیالوگ های سانسور شده یک قسمت به طور کامل بازنشر شد. با وجود این که سیروس مقدم کارگردان سریال، موارد حذف شده از سریالش را به حساسیت های شرایط روز جامعه ربط داد و گفت که سانسور چندانی در کار نیست اما انتقاد به سانسور تا قسمت های پایانی

داده اند. رشیدی در همین رابطه گفت: «خانواده هایی هم هستند که عزیزی را از دست داده اند. تصور کنید به یک کودک چگونه باید توضیح بدهیم که مثلاً پدر بزرگش یا خدای ناکرده مادر یا پدرش را بر اثر کرونا از دست داده و دوستان و آشنایان نیز نمی توانند در این شرایط سخت در کنارش باشند و تسلی اش دهند. چگونه باید یک نوجوان را مجاب کرد که نمی تواند با عزیز از دست رفته اش خداحافظی کند و در خاکسپاری او حضور داشته باشد. امیدوارم هیچ کودک یا نوجوانی در چنین موقعیتی قرار نگیرد ولی به هر حال اینها هم بخشی از زندگی است و متأسفانه امکان وقوع آن وجود دارد.

او با اشاره به تبعات اقتصادی کرونا هم گفت: «بسیاری از مشاغل از نظر مالی دچار زیان و ضرر بسیاری شده اند. پدری که دچار تنگنای مالی است، قطعاً عصبی خواهد بود و طبیعتاً نمی تواند همیشه با کودک خود خوش برخورد و با حوصله رفتار کند. پس باید برای این کودکان هم که ناخواسته متحمل فشار اقتصادی خانواده می شوند، فکری کرد. شرایط فعلی شامل خود مساله کرونا، پیامدهای اقتصادی، خدای نکرده از دست دادن عزیزان و ... قطعاً بر زندگی کودکان امروز تأثیر غیر قابل انکاری می گذارد و باید برای همه اینها راهکارهایی پیدا کنیم.»

تلنگراف خبر

■ **سید عباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی در جدیدترین توثیت خود با اشاره به مصوبات روز گذشته هیأت دولت نوشت:** امروز فقط مشاغل غیر پر ریسک از ۲۲ در غیر تهران و ۳۰ فروردین در تهران مجاز شد، سلامت مردم همچنان اصل است. در متن توثیت سید عباس صالحی آمده است: «از اسفند تا امروز: تعطیلی مدارس، دانشگاه ها، سینما، کنسرت، ورزشگاه ها، همایش، نمایشگاه، نماز جمعه، جماعات، بقاع متبرکه، حرم ها، سفر خارج استانی، اغلب مشاغل غیر تولیدی و... امروز مشاغل غیر پر ریسک از ۲۳ در غیر تهران و ۳۰ فروردین در تهران مجاز شد. سلامت مردم همچنان اصل است.»

■ **هیات مدیره انجمن صنفی هنرمندان موسیقی ایران با صدور اطلاعیه ای از تصویب یک طرح حمایتی در حوزه پرداخت حق عضویت اعضای خود خبر داد.** بر اساس این مصوبه صدور تمدید کارت عضویت برای کلیه اعضای محترم انجمن صنفی هنرمندان با پرداخت بهای ۹ ماه از باقی مانده در سال جاری صورت خواهد گرفت. ■ **صندوق اعتباری هنر با توجه به شیوع ویروس کرونا و ضرورت حفظ سلامت اعضا، تا اطلاع ثانوی مهلت ارسال مدارک دریافت خسارت بیمه تکمیلی را بمدت یک ماه تمدید کردو از ۲ ماه به ۳ ماه افزایش داد.**

■ **مهران رحمانی هنرمند نقاشی که در برنامه «عصر جدید» تابلویی از لیکنده سردار حاج قاسم سلیمانی خلق کرد، انگشتان شهادت و الا مقام را از جانب خانواده ایشان، هدیه گرفت.**

■ **رضا بابایی، نویسنده و پژوهشگر سرشناس دین و ادبیات، روز گذشته بر اثر ابتلا به سرطان در گذشت. پژوهش های او در حوزه مثنوی معنوی در جامعه ادبی کشور بسیار مهم و اثرگذار بود.**

■ **شکستن همزمان بیست استخوان» با نام بین المللی «رونا مادر عظیم» به کارگردانی جشید محمودی و تهیه کنندگی نوید محمودی از امروز سه شنبه ۱۹ فروردین ماه در شبکه نمایش خانگی توزیع خواهد شد.**

■ **فیلم سینمایی «سلفی با دموکراسی» ساخته علی عطشانی در بخش مسابقه جشنواره فیلم «منطقه ای جنوب شرق ایالات متحده آمریکا» از میان آثار بیش از ۲۸ کشور، نامزد دریافت جایزه بهترین فیلم بین المللی شد.**



رمان

نویسنده: اس جی واتسون

ترجمه: شقایق قندهاری

نشر آموث

بیان کرده به گونه ای که انگار یک زن داستان را نوشته است. همین باعث شده است که ساختار قوی و حرفه ای بر رمان حاکم شود. ساختاری مبتنی بر خاطرات با تکنیکی که ناخودآگاه به درون شخصیت اصلی داستان نفوذ می کند. قهرمانی که هر بار می خواهد بخوابد در رنج و عذاب لحظه ای است که دوباره بیدار شود و کوله بار خاطراتش را از هم گسیخته و در هزار توی ذهنش سختی کاوش کند.

به حقایق پی می برد. حقایقی که در طی داستان البته گاهی حسد هایی می زند حدس هایی که او را از انتهای داستان می کشاند. مثل فیلم های پلیسی و جنایی.

نقطه اوج داستان آنجاست که کریستین پی به راز از بین رفتن حافظه اش در اتاق یک هتل می برد. نکته مهمی که این رمان را جذاب کرده است این است که یک مرد شخصیت یک زن را به گونه ای به تصویر کشیده و احساسات زنانه را

است. همانی که او را لحظه هایی بی قرار می کند و در مقابل حرارت عشق است که روزنه امید را بر او می گشاید تا خود را در قالب فراموشی با تلاشی مضاعف باز یابد.

نکته حایز اهمیت در این داستان سیر تواتر قصه هایی است که با تعلیق قوی مخاطب را به نوعی غافلگیر می کند و به نوعی ژانر رمان را جنایی می کند. راوی داستان آنقدر هوشمندانه جلودتر از مخاطب پیش می رود که خواننده در انتهای رمان

اعتماد می کنند و گاهی نمی دانند حاصل اعتمادشان سرانجامی دارد یا ندارد؟

نویسنده بخوبی توانسته لایه های پیچیده انسان را در قالب مرور خاطرات یک زن میانسال که حافظه اش را بسختی واکاوی می کند، بیان کند. درونمایه داستان بخوبی عشق، زندگی و خلأهایی ناشی از سرگشتگی انسان و غلیان های درون آدمی را در مقابل هم قرار می دهد. سرگشتگی ای که درون همه انواع بشر